

## روابط متقابل سیاست و فضای شهر با تأکید بر گونه شناسی اقلیمی

حسن کامران دستجردی<sup>۱</sup>، نرجس سادات حسینی نصرآبادی<sup>۲</sup>

چکیده

برای بررسی روابط متقابل سیاست و فضا در شهر، درک شرایط جغرافیای طبیعی شهرها در تدوین و اجرای سیاستگذاری ها و مدیریت توسعه شهری، حائز اهمیت است. گوناگونی های شهری متأثر از مؤلفه های جغرافیای طبیعی هستند که بیشترین تأکید ما بر اقلیم و نقش آن در پدید آوردن شهرهای مختلف است. به عنوان مثال، برخی ویژگی ها و گوناگونی هایی که در اثر شرایط طبیعی برای شهرها می توان برشمرد: توزیع فضایی جمعیت، عقب ماندگی یا پیشرفت در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تقسیمات درون کشوری، چشم اندازهای فرهنگی، تمرکز یا عدم تمرکز قدرت، نابرابری های ناحیه ای، نظام معیشتی، ارتباطات، مسائل امنیتی.

این تحقیق بنیادی با روش توصیفی-تحلیلی، به مطالعه و بررسی شرایط اقلیمی شهرهای بیابانی، کوهستانی، ساحلی و تأثیرات آن بر حوزه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی و به طور کلی بر تصمیمات صاحبان قدرت می پردازد. ما بدنبال پاسخ این سؤال هستیم که «چگونه اقلیم در نوع و روش سیاست ها و سیاستگذاری مدیران شهری مؤثر است؟» فرضیه مطروحه در پاسخ به این سؤال عبارت است از اینکه «شرایط جغرافیایی طبیعی به ویژه آب و هوا در نوع و روش سیاست ها و سیاستگذاری مدیران شهری مؤثر است».

نتایج تحقیق نشان می دهد که اهمیت شناخت وضعیت موجود شهرها و فضای جغرافیایی (طبیعی) آنها به منظور برنامه‌ریزی مطلوب برای آینده از یک سو، و اهمیت مقیاس در رسیدن به توسعه با توجه به اهمیت و ضرورت سیاستگذاری از سوی دیگر، مبین آن است که توسعه فضای جغرافیایی و سیاستگذاری در ارتباط تنگاتنگ باهم قرار دارند».

واژگان کلیدی: جغرافیای سیاسی، شهر، کوهستانی، معتدل، بیابانی

۱- دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول

۲- دانش آموزخته جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، E: hossainy\_65@ ut.ac.ir

## مقدمه

مطالعات جغرافیدانان سیاسی نشان می دهد حیات شهرها همواره در ارتباط تنگاتنگ با محیط طبیعی شکل گرفته است. محیط طبیعی همراه با عوامل دیگر همچنان که موجبات تشکیل تمدن ها و شهرها بزرگ را فراهم آورده در مواردی نیز انهدام آنها را سبب شده است. لذا، مطالعه و بررسی شرایط اقلیمی یا آب و هوا، یک پارامتر اساسی در گونه شناسی شهر می باشد. از نظر جغرافیدانان، شرایط طبیعی، در ایجاد شهر و قلمرو شهرنشینی خود نقش بسزایی دارند. از آنجایی که مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و زیست محیطی هر کشوری تا حدود زیادی معلول شرایط طبیعی و ویژگی های محیط زندگی انسان ها است، لذا آگاهی از شرایط جغرافیای طبیعی و شناخت چگونگی روابط متقابل (دیالکتیکی) محیط و انسان برای تحلیل مسائل جغرافیای سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است (بلادپس و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۲۲) و نقش قابل ملاحظه ای در مدیریت سیاسی فضا به بویژه فضای شهری دارد. از جمله عوامل طبیعی مهم که در گونه شناسی شهرها دخیل است و نقش بسیار مؤثری دارد، اقلیم یا آب و هوا است. در واقع، خصوصیات و شرایط فضاهای جغرافیایی بخصوص شهرها، از لحاظ محدودیت یا عدم محدودیت در امکانات و پتانسیل هایی طبیعی و غیر طبیعی مدیون همین عوامل جغرافیای طبیعی است. آب و هوا از جمله عواملی است که هم در میزان و تمرکز جمعیت و هم در پیشرفت اقتصادی و تکنولوژیک و هم در موقعیت استراتژیک (حسینی، ۱۳۹۷: ۱۳۹۷). یک شهر نقش اساسی و تعیین کننده ای دارد. در طبقه بندی فضایی شهر با توجه به عوامل محیطی به ویژه آب و هوا می توان شهرهای ساحلی، شهرهای کوهستانی و شهرهای بیابانی را به ترتیب، از نظر اهمیت و درجه بیشتر کارایی و بهره برداری فضایی در تشریح روابط سیاسی- فضایی و توزیع قدرت در شهر نام برد. بنابراین، در مناطق کمتر توسعه یافته در کنار عوامل انسانی، عوامل بازدارنده جغرافیایی و طبیعی مانند (محدودیت منابع آبی، شرایط اقلیمی نامناسب، کوه ها و بیابان ها و ..) تاثیر فراوان دارند (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۹۹-۱۲۸).

لذا، در این مقاله به دنبال پاسخ این سوال هستیم که «شرایط اقلیمی یا آب و هوا چه تاثیراتی بر روابط سیاست و فضای شهر می گذارد؟»

## روش تحقیق

این پژوهش، از نوع بنیادین و نظری است و روش جمع آوری داده ها در این پژوهش اسنادی و کتابخانه ای و شیوه تحلیل اطلاعات نیز توصیفی - تحلیلی مبتنی بر روش شناسی کیفی می باشد. در این راستا، و برای دستیابی به یک نتیجه درست و شفاف در این پژوهش مبتنی بر استنتاج عقلانی کوشش گردیده به تبیین نقش ژئوپلیتیک شهر پرداخته شود. بنابراین، با به کارگیری متغیرهای اصلی مانند پدیده شهر، فضا و سیاست سعی بر آن است که به یک نتیجه قابل تعمیم برسیم.

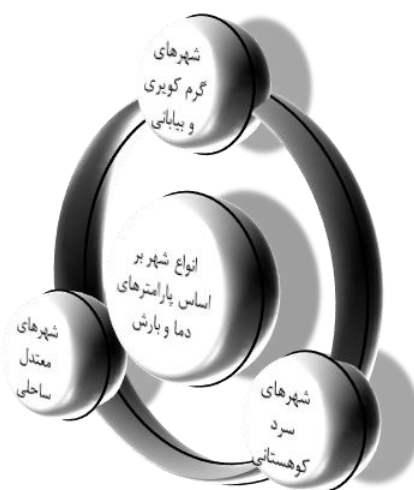
## مبانی نظری

## رابطه فضای شهر و سیاست

فضا- الگوهای فضایی یا روابط فضایی- ابزار اصلی جغرافیا است. فضا و تنوع و دگرگونی های آن در به کارگیری خط مشی (سیاست) از جمله موارد مهمی است که توجه جغرافیدانان سیاسی را بر می انگیزد (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۵-۶). به عبارتی، انسان ها برای رسیدن به اهداف خود در زمینه های مختلف، مشغول تغییر فضا می شوند (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۱۲). بنابراین، توان تصمیم گیری، اجرا و جایگاه سازمان های سیاسی و صاحبان قدرت در سلسله مراتب اجتماعی در ایجاد تغییرات فضایی بسیار تعیین کننده می باشد. شهر، به عنوان یکی از فضاهای اصلی در جغرافیا، بستر سیاست ها و سیاستگذاری های مختلف است. بنابراین، فرآیندهای فضای شهری، تاثیرات کم تا زیادی

بر کل مفهوم سیاست بویژه توسعه سیاسی دارند. چرا که شهرها بستر شکل‌گیری نهادهای سیاسی و مدنی، و بخش جدایی‌ناپذیر فرآیند نوسازی و توسعه اجتماعی، اقتصادی محسوب می‌شوند (کامران و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۴). جغرافیدانان سیاسی بزرگ مانند کوهن به تعامل فرایندهای سیاسی با فضای جغرافیایی بویژه نیروهای گریز از مرکز (در شهرهای بیابانی و کوهستانی) و مرکز‌گرا (شهرهای ساحلی) توجه زیادی نشان می‌دهد. کوهن، جغرافیدانان سیاسی را برای به کارگیری دیدگاه فضایی - جغرافیایی در مطالعاتشان امیدوارتر کرد و به تشریح ویژگی‌های فضایی پرداخت (Muir, 1975: 4). چون شرایط جغرافیایی و فضایی در تدوین و اجرای سیاست‌های شهری بسیار حائز اهمیت است و جغرافیدانان سیاسی باید بیش از گذشته به تعامل فرایندهای سیاسی و پیامدهای فضایی آنها توجه کنند. محیط زیست فیزیکی، چگونی توزیع فضایی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اگر جمعیت در یک جا متراکم باشد یکپارچه کردن آن آسان‌تر است و اگر در منطقه وسیعی پراکنده باشد، نسبت به ناحیه‌گرایی آسیب‌پذیرتر است. عدم پیوستگی در الگوی استقرار می‌تواند اثر تجزیه‌کنندگی قطعی داشته باشد و سدهای فیزیکی ممکن است باعث بروز هویت ناحیه‌ای شوند (میرحیدر، ۱۳۷۲: ۸۷). از نظر جغرافیدانان، بویژه جغرافیدانان سیاسی، شکل ناهمواری، وحدت جغرافیایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حضور سدهای فیزیکی مثل کوهها، می‌تواند موانع جدی در توسعه ارتباطات باشند و فواصل عملکردی آنها را به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش دهند (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۵۷). از اثرات بارز وضعیت مورفولوژیکی سرزمین بر جغرافیای سیاسی آن واحد سیاسی این است که اگر ناهمواری‌ها مانعی در مقابل توسعه و پیشرفت شبکه ارتباطی و حمل و نقل ایجاد کند، طبیعتاً اداره امور داخلی دشوار می‌شود و در نتیجه ممکن است وحدت سیاسی به خوبی تحقق پیدا نکند (میرحیدر، ۱۳۷۸: ۷۶). در واقع، یک نوع ارتباط متقابل بین امنیت و محیط جغرافیایی وجود دارد. به عنوان مثال، وود<sup>۱</sup>، اولین کسی بود که به رابطه میان جرم (نامنی) و شکل و شرایط محیط فیزیکی اشاره کرد (حسینی، ۱۳۹۷: ۲۶۷). جغرافیدانان سیاسی معتقدند: که امکانات و منابع محیطی با سیاست، امنیت و امور نظامی دارای ارتباط مستقیم و وابستگی مثبت است. به عنوان مثال، تیلور و هارل، معتقدند: ویژگی‌های فیزیکی محیط زیست می‌تواند باعث ناهنجاری یا پیشگیری از وقوع جرم شود. (Taylor & Harle, 2010: 20).

موقعیت دریایی به واسطه داشتن سواحل یا از طریق رودخانه‌ها به دریاهای آزاد راه دارند. بخش عظیمی از ساکنین این مناطق از آب و هوای معتدل و باران کافی برخوردار بوده و به دلیل عدم وجود موانع فیزیکی داخلی، از سهولت تماس با بخش‌های دیگر جهان سود می‌برند. در چنین زمینه‌هایی تجارت و مهاجرت رشد کرده و موجب تنوع نژادی، فرهنگی و زبانی مردمان آنجا شده است. این مناطق همچنین، با تسریع فرایند تخصصی شدن اقتصادی مواجه بوده‌اند مناطق دریایی با تولید و اشاعه تکنولوژی‌های برتر پیشرفت سریع داشته‌اند. موقعیت قاره‌ای از ویژگی‌هایی آب و هوای سخت و دوری از دریاهای آزاد برخوردار هستند. چنین زمین‌هایی غالباً به دلیل موانع فیزیکی همچون کوهها، بیابان‌ها و فلات‌های مرتفع یا مسافت‌هایی طولانی از فقدان تعامل زیاد با دیگر بخش‌های جهان رنج می‌برند. به لحاظ تاریخی اقتصاد آنها بیشتر از اقتصادهای دریایی خود کفا بوده، ولی در همان حال، نظام‌های سیاسی آنها که کمتر تحت تأثیر ایده‌ها و تحولات خارجی بوده، گرایش به نظام‌های بسته و اتوکراتیک (استبدادی) داشته‌اند. مناطق قاره‌ای تا حد زیادی دارای پایگاه‌های صنعتی فرسوده‌ای هستند که اقتصادهای شهری آنها را به عقب سوق می‌دهد (کوهن، ۱۳۸۶: ۷۹). بنابراین، اهمیت مطالعه و بررسی شرایط جغرافیای طبیعی بر توسعه و جغرافیای سیاسی شهر بسیار مشهود است. بنابراین، در جغرافیای طبیعی، شهرها به سه دسته تقسیم می‌شوند. البته با توجه به پارامترهای دما و بارش.

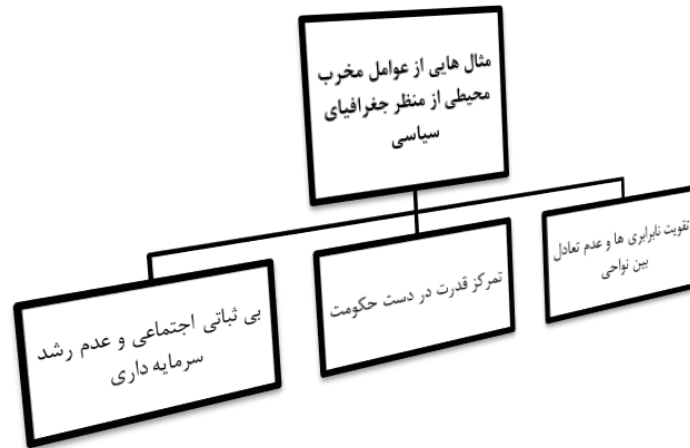


شکل ۱: انواع شهر بر اساس پارامترهای دما و بارش، ترسیم: نگارندگان

یافته های تحقیق: جغرافیای سیاسی شهرها با تأکید بر گونه شناسی شهرها از نظر آب و هوایی و مکان یابی

اهمیت شناخت وضعیت موجود شهرها و شرایط جغرافیای طبیعی آنها به منظور برنامه ریزی مطلوب برای آینده از یک سو، و اهمیت مقیاس در رسیدن به توسعه با توجه به اهمیت و ضرورت سیاستگذاری از سوی دیگر، مبین آن است که سازماندهی جغرافیایی و سیاستگذاری در ارتباط تنگاتنگ باهم قرار دارند. شهرهای کویری و بیابانی، با توجه به شرایط خاص محیطی و جغرافیایی و تنگناها و محدودیت های توسعه ای ناشی از آن، همواره به عنوان حوزه های پر چالش در عرصه مدیریت و برنامه ریزی قلمداد شده اند (علی پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۰). استفاده غیرمنطقی انسان از سرزمین در بسیاری از نقاط دنیا بویژه مناطق بیابانی منجر به نابودی پتانسیل های طبیعی و منابع در آن شده است، به طوری که جای شکی باقی نمی ماند که نائل شدن به توسعه پایدار مستلزم اجرای انواع طرح های توسعه و بهره برداری از منابع طبیعی براساس توان بالقوه منابع و ظرفیت قابل تحمل محیط زیست است (وزارت نیرو، ۱۳۸۹). امروزه در شهرهای بیابانی و کویری، تعیین و تحلیل توان بالقوه و تخصیص کاربری های متناسب با توان سرزمین، روشی است که می تواند میان توان طبیعی محیط، نیاز جوامع، کاربری ها و فعالیت های انسان یک رابطه منطقی و سازگاری پایدار بوجود آورد. مهمتر آنکه، جغرافیای سیاسی می تواند به مباحث جغرافیایی بعد سیاسی و قلمرو حاکمیتی در فضای شهری بپردازد و ناحیه شهری را به عنوان یک اکوسیستم جغرافیایی بررسی نماید. همچنین، جغرافیای سیاسی، از نقش آفرینی های عوامل محیط طبیعی (پایدار)، تأثیرات زیادی می پذیرد (بلادپس و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۰).

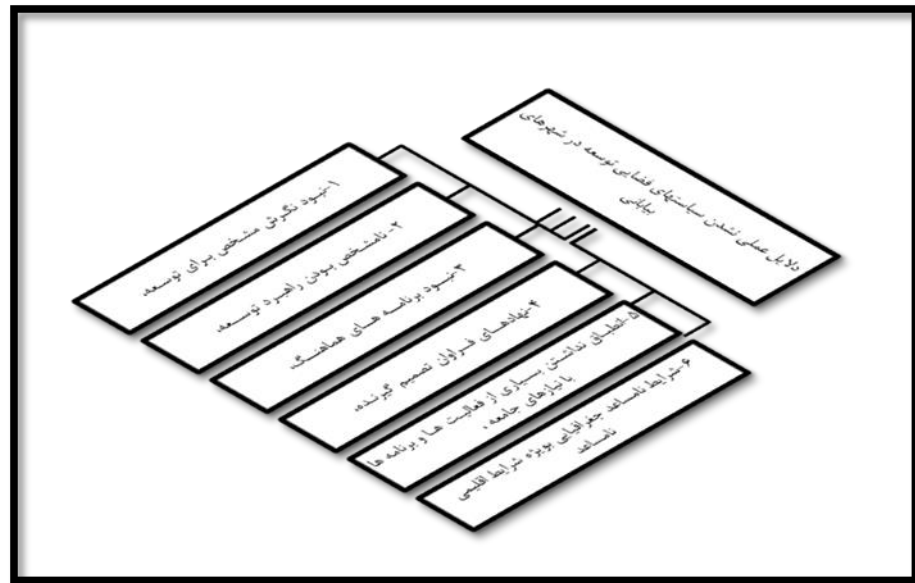
مطالعه شهرهای بیابانی و کویری از منظر جغرافیای سیاسی: در مجموع در شهرهای بیابانی نقش تخریبی آنها بر پیکره جغرافیای سیاسی شهر بیشتر است. مثال هایی از عوامل مخرب محیطی می توان به موارد زیر اشاره کرد:



شکل ۲: مثال‌هایی از عوامل مخرب محیطی از منظر جغرافیای سیاسی، ترسیم: نگارندگان

تعیین سطوح برخورداری و توسعه نواحی شهری و بررسی نقاط قوت و ضعف شرایط هر ناحیه در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، زمینه تخصیص بهینه منابع و امکانات را برای توسعه هماهنگ می‌کند (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۱). به طور کلی، خصوصیات شهرهای بیابانی و کویری در تصمیم‌گیری‌های صاحبان قدرت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی تأثیر بسزایی دارد که دگرگونی‌ها و تغییرات موجود در تصمیمات صاحبان قدرت در حوزه‌های مختلف زندگی شهری را تبیین و بررسی می‌کنیم.

**الف- جغرافیای سیاسی شهرهای بیابانی در حوزه اقتصاد:** نخستین پیامد بلندمدت شرایط بیابانی، پراکندگی و دور بودن سکونتگاه‌های انسانی بخصوص شهرها و تعاملات کم‌تر آنها بایکدیگر است. این مسأله از کمبود و پراکنش آب ناشی می‌شود. در چنین شرایطی تولیدات کشاورزی پایین مانده و تولید مازاد بر مصرف برای صدور به مناطق دیگر صورت نمی‌گیرد. به عبارتی فقدان «تولید مازاد بر مصرف» یا «اضافه بر مصرف» مهمترین خصوصیت تولید این شهرها است. (زیباکلام، ۱۳۷۳: ۷۸). این مسأله از نظر جغرافیای سیاسی باعث انزوای جغرافیایی می‌شود. بنابراین، در شهرهای بیابانی با توجه به شرایط نامساعد اقلیمی و به طور کلی شرایط بد جغرافیایی و در نتیجه محدودیت سیاست‌گذاران اقتصادی توسط دولت و صاحبان قدرت، وضعیت اقتصادی نابسامان‌تر از شهرهای دیگر است. در بسیاری از کشورها به خصوص در جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا، شهروندان فقیر نیمی از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند. توسعه شهری در کنار توسعه یکپارچه ملی جهت استفاده از قابلیت‌ها و امکانات کشور و استفاده بهینه از آنها از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. حرکت جوامع به سوی تکامل نیاز به بررسی، مطالعه و شناخت روند گذشته و پیش‌بینی وضعیت آینده دارد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۹). در واقع، ارزیابی توان، یک استراتژی اساسی برای استفاده از سرزمین تلقی می‌شود، چراکه با شناسایی و ارزیابی خصوصیات اکولوژی منطقه توسعه‌ای همگام با طبیعت حاصل می‌شود. لذا، آگاهی از استعدادها و تعیین پتانسیل‌ها می‌تواند راه‌گشای تهیه و اجرای طرح‌های کاربردی و عملی به منظور نیل به اهداف اقتصادی، حمایتی و حفاظتی باشد (امیری، ۱۳۸۸: ۱۱۱). توسعه کشورهایی که بیشتر مساحت آنها کویری و بیابانی است، به دلایل گوناگون با مشکل روبرو است.



شکل ۳: دلایل عملی نشدن سیاست های فضایی توسعه در شهرهای بیابانی و کویری، ترسیم: نگارندگان

بنابراین، شرایط طبیعی شهرهای بیابانی؛ و ارزیابی توان اکولوژیکی سرزمین، وقت گیرترین و مشکل ترین مرحله آمایش سرزمین است (قدیری معصوم و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۶). یکی از مهم ترین نکاتی که در برنامه ریزی کلان نباید از آن غفلت شود، اهمیت کشاورزی است (قدیری معصوم و فیروز جایی، ۱۳۸۲: ۱۱۶). در شهرهای بیابانی، با توجه به کمبود بارش و نوسانات دما کشت انواع محصول با محدودیت مواجه است. چرا که اگر قرار است توسعه ای انجام گیرد و خود مستمر باشد باید به طور اخص از بخش کشاورزی شروع شود (آسایش، ۱۳۸۲: ۳۰). همچنین در اثر بهره برداری های غیرمجاز و بی رویه سطح آب های زیرزمینی هر سال افت می کند. همچنین گسترش پدیده بیابان زایی، در شهرهای کویری و حاشیه آن ها، از طریق از بین بردن فرصت های اشتغال و کاهش درآمدها و... باعث افت سطح زندگی مردم می شود. علاوه بر آن، کاهش درآمد و میزان اشتغال، به طور غیر مستقیم زیرساخت های شهری را متاثر می سازد (Crutchfield et al., 1982) و سیاستهای فضایی مسئولان را دچار نقصان می کند. نتیجه اینکه، تصمیمات و پیاده سازی طرح ها و سیاست های اقتصادی در شهرهای بیابانی به شرایط جغرافیایی و فضایی وابسته است و تعامل اقتصاد، سیاست و فضا، جغرافیادانان سیاسی را بر آن داشته تا جغرافیای سیاسی شهرهای بیابانی و کویری را مورد کنکاش و مطالعه قرار دهند.

ب- جغرافیای سیاسی شهرهای بیابانی در حوزه سیاست: دولت نهاد سیاسی اصلی در یک کشور و به عنوان نماینده اصلی حکومت است (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۴۴). امروزه آن چنان که باید، دولت نیازهای شهرهای کویری را پاسخ گو نبوده است. از طرفی در برنامه های توسعه فصل خاصی برای آن در نظر گرفته نشده و فقط در حاشیه برنامه های توسعه شهری و کشاورزی و صنعتی به آن اشاره شده است. در واقع، در طول چند دهه اخیر راهبرد حاکم بر برنامه ریزیهای ملی راهبرد بخشی بوده است. ما واقعاً در حال گذار به نظام جهانی متفاوتی هستیم که دارای سیاست اساساً متفاوتی است (مویر، ۱۳۷۹: ۲۵۱) و شهرها بازیگران اصلی این نظام جهانی هستند. لذا، شهرهای کویری در بازی های قدرت و سیاستگذاری های ملی و فراملی نقش چندان مهمی ندارند. با توجه به گستردگی بیابان و کویر، محل مناسبی برای تدوین و اجرای برنامه های دولتی و سیاسی نیستند. چون پتانسیل پایتخت بودن یا پایتخت شدن را ندارند و با توجه به شرایط فیزیکی سخت و دشوار و بیابان های وسیع از دولت مرکزی دور

افتاده اند. نظارت بر آنها تا حدودی با نقصان مواجه است. بنابراین، باید در طرح‌های توسعه سیاسی ایجاد حکومت‌های محلی را در اولویت قرار داد. فعالیتهای حکومتی که پایینتر از سطح مسائل اقتصادی و امنیتی (ملی) قرار گرفته‌اند در حوزه اقتدار دولتهای محلی قرار دارد (دانش خوشبو، ۱۳۲۹: ۹). دولت محلی به عنوان کارگزار حکومت مرکزی در محل، انجام وظیفه می‌کند (ویسی، ۱۳۹۲: ۸۱). از طرفی فواصل دور بین شهرهای بیابانی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ارایش فضای جغرافیایی نقش بی‌بدیلی را در محل‌گرایی<sup>۱</sup> و ناحیه‌گرایی<sup>۲</sup> سیاسی منفی می‌تواند ایفا کند (بلادپس و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۲). تاریخ امنیتی این شهرها نشانه وجه مثبت آنها نیز است. به دلیل محیط گرم و خشک این شهرها، خروج از این محیطها بدون تهیه وسایل ضروری امکان‌پذیر نیست و هرگونه عملیات نجات و فرار را غیرممکن می‌سازد. بنابراین شرایط این شهرها، در حوزه سیاسی می‌تواند مفید واقع گردد. به طور کلی باید گفت: در حوزه سیاست، این صاحبان قدرت هستند که با نقشه و برنامه‌های استراتژیکی خود، می‌توانند امنیت مادی و معنوی را در این شهرها ایجاد کنند.

**ب- جغرافیای سیاسی شهرهای بیابانی در حوزه فرهنگ:** فرهنگ و برنامه ریزی‌های فرهنگی توسط مسئولان شهری، در شهرهای بیابانی از شرایط طبیعی شهر تبعیت می‌کند. به گونه‌ای که فرهنگ شهر کویری با فرهنگ شهر کوهستانی بسیار متفاوت است. مثلاً طرز لباس پوشیدن، طرزخانه ساختن، شیوه مسافرت کردن و رفتارهای جمعی و .... با توجه به شرایط اقلیمی متفاوت است. روابط اجتماعی و فرهنگی جزء ذاتی رابطه سیاسی بین شهروند و فضا است. «روابط شهروندان» هویت فرهنگی و اجتماعی آن شهر را شکل می‌دهد. به بیان ساده‌تر، جهان‌شهرهای کویری و بیابانی نقاط اتصال هستند که به عنوان مراکز نظارت عمل می‌کنند. این نظارت، بر کلاف به هم وابسته جریان‌های اطلاعاتی و مالی و جریان فرهنگی اعمال می‌شود. به علاوه، این جهان‌شهرها فصل مشترک میان فضای محلی و جهانی محسوب می‌شوند (جانستون و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۵۹).

افزایش بی‌رویه جمعیت و احتیاج به مسکن بیشتر، بالا رفتن ارزش زمین، توسعه تکنولوژی و سایر عوامل اقتصادی و اجتماعی باعث به وجود آمدن نوعی معماری بی‌هویت است که هیچ‌گونه تناسبی با شرایط اقلیمی این‌گونه شهرها ندارد. نقطه کانونی شهر خلاق، فرهنگ، آموزش، جو یا فضای خلاقیت است. خلاقیت در احیا و توسعه مجدد شهرهای کویری بسیار مهم است با توجه به اهمیت بالای فرهنگ در شهر خلاق برنامه ریزان شهری باید رویکردی فرهنگی در برنامه ریزی‌هایشان داشته باشند «منابع فرهنگی در افراد شامل خلاقیت، مهارت و استعداد می‌باشد. آنها مانند ساختمانها، شی نیستند بلکه مانند نمادها، فعالیتها و مجموعه‌ای از تولیدات محلی در هنر، خدمات و صنایع می‌باشند. خلاقیت شیوه بهره‌برداری از این منابع و کمک به رشد آنهاست. وظیفه برنامه ریز شهری نیز شناسایی، مدیریت و بهره‌برداری از این منابع است

فرهنگ، نقطه کانونی شهرهای خلاق است؛ به طوری که سایر بخش‌ها متأثر از این بخش است. اقتصاد این شهرها پیوند خورده با فرهنگ و منابع فرهنگی است اصطلاحاتی چون صنعت هنر، صنایع فرهنگی و صنایع خلاق - که خمیرمایه آن فرهنگ و هنر است - واژگان رایج این شهرهاست. این شهرها برای رسیدن به خلاقیت باید بتوانند افراد خلاق یعنی نویسندگان، شاعران، پژوهشگران، هنرمندان، مهندسين و... را جذب کنند. این عده افرادی هستند که به دنبال محیطهای جذاب می‌گردند و از این رو در مکانهایی مستقر می‌شوند که شرایط محیطی و فرهنگی باشد. از این رو، شهرهایی بیابانی، محیطی جذاب از لحاظ کالبدی، نهادی، اقتصادی و فرهنگی برای بروز خلاقیت افراد ساکن و

۱ - Localism

۲ - regionalism

نیز جذب افراد متخصص و خلاق از بیرون مهیا می سازند. چرا که هر مکان ویژگی هایی دارد که در سایر مکان ها ممکن است وجود نداشته باشد و همین ویژگی منحصر به فرد می تواند مزیتی رقابتی برای یک شهر باشد (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۶).

منابع فرهنگی، مواد خام یک شهرند و پایه ارزش آن محسوب می شوند و به عنوان دارایی جایگزین عناصری مثل زغال سنگ، فولاد و طلا می شوند. وظیفه برنامه ریز شهری نیز شناسایی، مدیریت و بهره برداری از این منابع است (Landry, 2006: 19).

در واقع، در این دهه، هنر و فعالیت های فرهنگی به عنوان سازمان دهندگان به تغییر شهری و به عنوان عوامل رشد صنایع فرهنگی جدید مثل رسانه های دیجیتالی قلمداد می شوند. به طوری که ارتباطی معنادار بین حمایت از این فعالیت های جدید یعنی خوشه های خلاق و محیط فرهنگی وجود دارد (Roberts, 2006: 331). همچنین، موقعیت بیابانی به ناگزیر اثرات نامساعدی را بر انسجام اجتماعی گذاشته است و بیشتر بر ویژگی های بومی و محلی آنها اثر گذار بوده است. چرا که تجزیه فیزیکی نواحی و انزوای جغرافیایی آنها آثار روانی، فرهنگی و اجتماعی دارد و عزلت ها را بیشتر می کند و انگیزه ای برای اختلاط و امتزاج با دیگران به وجود نمی آورد.

**ت-جغرافیای سیاسی شهرهای بیابانی در حوزه زیست محیطی:** شرایط آب و هوایی شهرهای بیابانی باعث ایجاد شرایط خاص زیست محیطی در این شهرها شده است. این شرایط؛ نه تنها به نفع محیط زیست عمل نمی کند بلکه، مشکلاتی را در حوزه زیست محیطی ایجاد کرده است. از جمله مشکلاتی که حیات شهرهای بیابانی را تهدید می کند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

-تغییرات اقلیم و گرمایش، سیل، خشکسالی، ریزگردها و گردوغبار، -گازهای گلخانه ای و ..... با توجه به وجود رابطه متقابل و تنگاتنگ سازه های شهرهای بیابانی و محیط خارجی آنها، فرایندهایی چون ساخت و بافت شهری، شکل، ارتفاع و اندازه بناها، جهت گیری خیابان ها و ساختمان ها، مصالح، سطح فضاهای باز و پوشش گیاهی تحت تأثیر اقلیم خرد قرار می گیرند. شکل شهر و اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن علاوه بر این که می توانند بر کیفیت فضاهای شهری اثر بگذارند، کیفیت هوای شهر را نیز می توانند تغییر دهند؛ به نحوی که تمرکز یا پراکندگی عناصر آلوده کننده هوا که از مسائل عمده شهرهای امروز دنیا است و به جریان های جوی و تشکیل جزایر حرارتی در داخل شهر بستگی دارد، نیز به نوبه خود تحت تأثیر شکل شهر قرار می گیرد (منتظری و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۱).

مساکن جدید از نظر اقلیمی شرایط آسایش را فراهم نمی آورد و ساکنین از وسایل گرمایشی و سرمایشی نوین استفاده می کنند. استفاده از وسایل گرمایشی و سرمایشی جدید مصرف بی رویه انرژی را به دنبال دارد، به خصوص در زمستان آلودگی هوا را نیز به دنبال دارد از طرف دیگر افزایش جمعیت و توسعه فیزیکی شهرها بریافت کالبدی شهرها نیز تأثیر می گذارد. دیگر شهرها را نمی توان در یک محدوده کوچک رها نمود و رشد شهر در سطح افقی از ویژگی های شهرهای این نواحی است. در بیست ساله اخیر نه معابر اصلی و نه معابر فرعی هیچ گونه همخوانی با اقلیم آن ندارند، به خصوص در این شهر اکثر معابر اصلی و فرعی هم جهت با بادهایی می باشند که همواره مقدار زیادی ماسه و غبار با خود حمل می کنند و از این نظر هیچ گونه ترفندی در مقابل این پدیده به کار برده نشده است. در نتیجه، سیاست گذاران شهری، باید این قبیل مشکلات را برای تدوین و اجرای سیاستهای فضایی در نظر بگیرند و اقلیم شهرها که بوجود آورنده شرایط ویژه زیست محیطی برای آنها است را در برنامه های مدیریتی خود بگنجانند.

**در نتیجه،** « نوع و روش تصمیمات سیاسی صاحبان قدرت در شهرهای کویری و بیابانی با توجه به شرایط جغرافیایی ویژه متفاوت از سایر شهرها است. بنابراین، شهرهای کویری و بیابانی دارای جغرافیای سیاسی ویژه هستند.» از آنجا که



هرفضایی می‌تواند در رویارویی با عوامل مختلف (طبیعی - انسانی) دارای رتبه بندی‌هایی باشد. بنابراین، شهرهای بیابانی و کویری به دلیل شرایط خاص اقلیمی که دارند، در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی نیز دارای شرایط ویژه هستند.

#### ۲-۴- جغرافیای سیاسی شهرهای کوهستانی و سرد

شهرهای کوهستانی با توجه به شرایط ویژه داری جغرافیای سیاسی خاص خود هستند که در اینجا در عرصه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**الف- جغرافیای سیاسی شهرهای کوهستانی در حوزه اقتصاد:** در مناطق کوهستانی به دلیل کمبود و یا نبود زمینهای مستعد کشاورزی، مناسبات تولیدی در زمینه زراعی وجود نداشته و یا اینکه در حدی نبوده است که بتواند به صورت مازاد تولیدات کشاورزی مبادله شود. از سوی دیگر، ساکنین این مناطق عمدتاً کوچ‌نشینانی بودند که به تبعیت از چرای دام، از محلی به محل دیگر کوچ می‌کردند. این عدم وابستگی پایدار به محیط طبیعی، یکی از مهمترین دلایل عدم پیدایش و تکوین کانونهای شهری در نواحی کوهستانی است. شیب زیاد مهمترین عامل محدوده کننده توسعه و گسترش اینگونه شهرهاست. شهرهای کوهستانی به دو دلیل عمده از اقتصاد خوبی برخوردار نیستند: اولاً: بایستی گفت به دلیل عدم وجود امکانات مناسب جهت فعالیت‌های اقتصادی معمولاً این مراکز جمعیتی در حد قلعه‌های تدافعی باقی مانده و جز تا اوایل قرن بیستم از رشد چشمگیری برخوردار نبوده‌اند. تنها امکان قابل دسترسی در این مناطق وجود مراتع کوهستانی بوده است و شاید بشود با اطمینان گفت: وجود خاکهای آتشنشانی باعث خاکهای حاصلخیز می‌شود. اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و دامپروری است (سلطانی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). ثانیاً: این شهرها به علت موقعیت خاصی که داشته‌اند کمتر در مسیر راه‌های تجاری قرار داشته‌اند، گرچه برخی از آنها نقش کنترل و حفظ امنیت راه‌ها را به عهده داشته‌اند در این میان اغلب شهرهای کوهستانی، به تبع شرایط محیطی خود، به ویژه، توپوگرافی و محدودیت منابع آب و خاک، نتوانسته‌اند خود را با این تغییرات ساختاری همساز کنند و دچار دگرگونی کارکردی شدند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۶). بنابراین، از دید جغرافیای سیاسی شهر، امکان افزایش قدرت با استفاده از رابطه متقابل سیاست و فضا، در این شهرها کم است و نیاز به برنامه ریزی و مدیریت دارد. در رابطه با وجه مثبت اقتصادی این شهرها، گردشگری طبیعی یکی از مزیت‌های درآمدزا برای بسیاری از شهرهایی است که درکسب درآمد از این منبع استفاده می‌کنند. گردشگری کوهستانی، تالاب، جنگل، ساحل و کویر از جمله حوزه‌های گردشگری طبیعی به شمار می‌روند. دولت‌ها در کشورهایی که در مناطق کوهستانی واقع شده‌اند، اکوتوریسم و گردشگری کوهستانی را یکی از راه‌های مقابله با مشکلات ناشی از فقر و توسعه نیافتگی می‌دانند. از سال ۲۰۰۲ که سال «کوهستان و اکوتوریسم» نام گرفت، توجه به این مناطق شکل ویژه‌تری به خود گرفت و جوامع مختلف از ظرفیت‌های این صنعت برای بهبود اوضاع خود بهره گرفتند. اگر معادن را نیز به عنوان قسمتی از کوه‌ها در نظر گرفته شوند می‌توان گفت که تمام مردم از کوه‌ها سود می‌برند و استفاده می‌کنند. همچنین، این شهرها دارای تعداد زیادی حوضه‌های دریاچه‌ای و رودخانه‌ای می‌باشند که محل خوبی برای گردشگری و کسب درآمد هستند. وجود صنایع دستی در اقتصاد این مناطق دارای اهمیت است (سلطانی، ۱۳۸۵: ۱۱۲).

از دید جغرافیای سیاسی، نداشتن یک برنامه ریزی بلندمدت در زمینه گردشگری کوهستانی یکی از نقاط ضعف برای ناتوانی در جذب درآمد از این حوزه اقتصادی است. به عقیده مسئولان و فعالان عرصه هتل‌سازی، احداث هتل در کوه‌ها و کوهپایه‌ها توجیه اقتصادی ندارد! اوایل بهار تا اواسط پاییز کوهنوردی رونق می‌گیرد، اما در تابستان به دلیل شرایط آب و هوایی و ثابت ماندن شرایط آب و هوا بیشترین رونق را دارد. کوهنوردان اندکی کوهپیمایی خود را از

طریق تورها انجام می‌دهند. بنابراین، ارزش های اقتصادی نواحی کوهستانی : - تله‌کابین‌ها در کوه‌ها درآمد بسیار خوبی دارند\_ذخایر آب\_معادن و ذخایر طبیعی\_دامپروری-باغداری (احمدی، ۱۳۹۷: ۴).

**ب-جغرافیای سیاسی شهرهای کوهستانی در حوزه سیاست:** از نظر جغرافیدانان، بویژه جغرافیدانان سیاسی، شکل ناهمواری، وحدت جغرافیایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. حضور سدهای فیزیکی مثل کوهها، می‌تواند موانع جدی در توسعه ارتباطات باشند و فواصل عملکردی آنها را به طور قابل ملاحظه ای افزایش دهند (درایسیدل و بلیک، ۱۳۶۹: ۴۵). از اثرات بارز وضعیت مورفولوژیکی سرزمین بر جغرافیای سیاسی آن واحد سیاسی این است که اگر ناهمواری ها مانعی در مقابل توسعه و پیشرفت شبکه ارتباطی و حمل و نقل ایجاد کند، طبیعتاً اداره امور داخلی دشوار می‌شود و در نتیجه ممکن است وحدت سیاسی به خوبی تحقق پیدا نکند(میر حیدر، ۱۳۷۹: ۷۶). محیط زیست فیزیکی چگونی توزیع فضایی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اگر جمعیت در یک جا متراکم باشد یکپارچه کردن آن آسان تر است و اگر در منطقه وسیعی پراکنده باشد، نسبت به ناحیه گرای آسب پذیرتر است. عدم پیوستگی در الگوی استقرار می‌تواند اثر تجزیه کنندگی قطعی داشته باشد و سدهای فیزیکی ممکن است باعث بروز هویت ناحیه ای شوند(میرحیدر، ۱۳۷۳: ۸۷). ناهمواریها چه بسا واحدهای سیاسی را به طور طبیعی به مناطق مختلف تقسیم می‌کند و این امر در ثبات سیاسی و تمامیت ارضی تأثیر منفی خواهد داشت(اطاعت، ۱۳۷۶). همچنین، بررسی های تاریخی نشان می‌دهد واحدهایی فضایی که در پناه رشته کوهها قرار دارند، کمتر مورد هجوم قرار می‌گیرند.(امین سبحانی، ۱۳۶۵: ۱۸۵-۱۹۴). بنابراین، کوهها از زمان گذشته تا کنون دارای ارزش نظامی - امنیتی بوده اند. به رغم پیشرفت علوم و فنون نظامی هنوز ناهمواریها اهمیت خود را از دست نداده اند و در واقع، شرایط دفاعی مطلوبی را فراهم می‌کند(قوام، ۱۳۷۰: ۹۳) به عبارتی نبود موانع طبیعی کار توسعه طلبان را آسان می‌کند(روشندل، ۱۳۷۴). ناهمواری ها همواره توانسته است حدود و مرزهای مورد اعتمادی برای نواحی جغرافیایی به وجود آورد(شکویی، ۱۳۷۸).

**پ-جغرافیای سیاسی شهرهای کوهستانی در حوزه فرهنگ:** شرایط سرد و سخت کوهستان، روی فرهنگ و شیوه زندگی مردم شهرهای کوهستانی تأثیر بسزایی دارد. نوع لباس پوشیدن، معماری خانه ها، خیابان هاو معابر، طرز صحبت، شیوه و نوع غذا خوردن و... همه تحت تأثیر شرایط کوهستانی است و بنابراین، تصمیمات و سیاست هایی که در تدوین و اجرای فرهنگ و ترویج آن توسط صاحبان قدرت، صورت می‌گیرد، باید این خصوصیات را در نظر داشته باشد. چراکه شکل ناهمواری ها در جابه جایی جمعیت و امکانات تأثیر می‌گذارد و موجبات بروز نابرابری ها را ایجاد می‌کند(عزتی، ۱۳۸۰: ۸۹). در شهرهای کوهستانی، ساخت فضایی به هم چسبیده و کوچه‌ها و گذرگاههای درون شهری تنگ و باریک است. محیط زیست فیزیکی، چگونی توزیع فضایی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اگر جمعیت در یک جا متراکم باشد یکپارچه کردن آن آسان تر است و اگر در منطقه وسیعی پراکنده باشد، نسبت به ناحیه گرای آسب پذیرتر است. عدم پیوستگی در الگوی استقرار می‌تواند اثر تجزیه کنندگی قطعی داشته باشد و سدهای فیزیکی ممکن است باعث بروز هویت ناحیه ای شوند(میرحیدر، ۱۳۷۳: ۸۷).

**ت-جغرافیای سیاسی شهرهای کوهستانی در حوزه زیست محیطی:** مشکل گردشگری کوهها رعایت نکردن استانداردهای زیست محیطی از سوی کوهنوردان است. به همین منظور کوهها، نیازمند مدیریت است و سرمایه گذاری در آنها نیز باید با رعایت استانداردهای لازم انجام شود. کوهها اگر به خوبی مدیریت نشوند، دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری می‌شوند. این آسیب‌ها تنها از سوی افراد آماتور نبوده و گردشگران و حتی کوهنوردان حرفه‌ای نیز به محیط زیست کوهها صدماتی وارد می‌کنند. تله‌کابین‌ها در کوهها درآمد بسیار خوبی دارند اما موجب آسیب وارد کردن

کوهنوردان آماتور به محیط‌زیست کوه‌ها می‌شود. همچنین بسیاری از پناهگاه‌های کوهنوردی نیز غیراستاندارد هستند و با اکوسیستم کوه‌ها مطابقت ندارند. در بسیاری از کوه‌ها جاده کشیده شده و شهرک‌های گردشگری ایجاد شده‌اند اما به محیط‌زیست کوه‌ها توجهی نمی‌شود که باید مدیریت شود. عواملی که سبب ناپایداری و تغییر چهره شهرهای کوهستانی

گسترش شهرهای پر رونق اقتصادی - احداث جاده‌های ارتباطی (شوسه و راه آهن) - احداث سد ها و هدایت رودخانه ها و بهره برداری از آنها - گسترش فعالیت های کشاورزی گوناگون - بهره برداری از معادن فراوان - مخاطراتی طبیعی

(- ریزش - لغزش - لرزش های خفیف و گسترده - طغیان رود ها و بروز سیلاب ها). در نتیجه، روابط متقابل محیطی - فضایی، و به طور کلی جغرافیای طبیعی خصوصاً اقلیم شهرهای کوهستانی و مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و شکل‌گیری ساخت و بافت‌های سیاسی - اجتماعی گروه‌های انسانی در این مکان‌های شهری، می‌تواند در چارچوب حوزه جغرافیای سیاسی مورد واکاوی قرار گیرد. در مناطق کوهستانی، امکانات محدودی برای توسعه فیزیکی شهرها وجود دارد معمولاً توسعه شهرها از نظر کمی و کیفی در این مناطق محدود است (عزیزپور، ۱۳۷۵: ۱۶). ناهمواری نه تنها در بافت و چهره خارجی شهرها حتی در نقش آنها تأثیر می‌گذارد. مناطق کوهستانی فضای مناسب برای ایجاد و توسعه شهرها را محدود می‌کند (رهنمایی، ۱۳۶۹: ۴۵).

**۳-۴- جغرافیای سیاسی شهرهای ساحلی و معتدل:** سواحل؛ به عنوان نقاط اتصال دهنده خشکی و دریا مکان‌هایی با ویژگی‌های خاص جغرافیایی هستند که بر تصمیمات سیاسی و اقتصادی بازیگران شهری تأثیر بسزایی دارند و جغرافیای سیاسی ویژه ای را به شهرهای ساحلی می‌دهند. در حقیقت شهرهای ساحلی، از لحاظ اکولوژیک بسیار حیاتی می‌باشند (Harley et al, 2006:234).

**الف- جغرافیای سیاسی شهرهای ساحلی در حوزه اقتصاد:** دریا و ساحل به عنوان دو بستر جغرافیایی که دارای قدرت و توان اقتصادی بالایی هستند، جغرافیای سیاسی ویژه ای را به شهرهای ساحلی انتقال می‌دهند. توسعه شهر ساحلی، توسط دریا و منابع طبیعی حمایت می‌شود و به طور مستقیم و غیر مستقیم، به اقتصاد دریایی وابسته است. همانطور که شهر ساحلی، بستر مناسب برای گسترش صنایع دریایی است، سود اقتصادی ناشی از فعالیت‌هایی چون شیلات و ماهیگیری، حمل و نقل دریایی، گردشگری و... به شهر ساحلی پویایی بخشیده و سطح کیفی زندگی آن را ارتقاء می‌دهد. اقتصاد شهر تا حد زیادی وابسته به حمل و نقل دریایی است، (<http://marinetimes.ir>).

شهرهای ساحلی از پربارترین و پویاترین منابع اکولوژیک و بستر فعالیت‌های عظیم اقتصادی و اجتماعی در جهان به شمار می‌روند. منابع ارزشمند طبیعی، تنوع زیستی و فعالیت‌های عظیم اقتصادی، این مناطق را به یکی از حساس‌ترین و ارزشمندترین مناطق در جهان تبدیل نموده است (محلای، ۱۳۸۹). به طوری که، این شهرها به دلیل، موقعیت جغرافیایی خاص خود، دارای فرصت‌های بی‌شمار توسعه اقتصادی وابسته به صنایع دریایی هستند. بنابراین، با توجه به منابع و پتانسیل‌های موجود در شهرهای ساحلی، سواحل؛ نقش غیر قابل‌جانشینی در اقتصاد و توسعه ایفا می‌کنند. این مکان‌ها همچنین دارای قابلیت‌های متنوع جهت جذب گردشگران می‌باشند. امروزه گسترش گردشگری، یکی از منابع درآمدی شهرهای ساحلی به شمار می‌رود (رمضانزاده لسبویی، ۱۳۸۹: ۶۲). در دهه های اخیر، اهمیت گردشگری، در سطح بین‌المللی هم از لحاظ تعداد گردشگران و هم از لحاظ درآمد ارزی همواره و به طور بی‌سابقه ای در حال افزایش بوده است (Thomas R. et, 2005: 13). به گونه ای که بر طبق پیش‌بینی رسمی سازمان

جهانی جهانگردی (WTO) تا سال ۲۰۲۰، سفرهای بین‌المللی گردشگری با حدود سه برابر رشد (۸/۶ میلیارد سفر)، به ارزش تقریبی ۲ تریلیون دلار در هر سال خواهد رسید (Seddighi & Nuttall & Theocharous, 2001: 183). در این میان گردشگری ساحلی بیشترین گردشگر را به مقاصد جذب می‌کند و سفر به سواحل از علایق اکثر گردشگران دریایی محسوب می‌شود. افزایش گردشگری ساحلی، مستلزم تمرکز بر روی محیط دریایی است (سقای، ۱۳۸۱: ۱۷). بیشترین تقاضای توریسم ساحلی از سال ۱۹۴۵ شروع و باعث رشد تقاضا در کل زمینه های گردشگری شد (حسینی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۱۴) امروزه صنعت توریسم بر اقتصاد اکثر شهرهای ساحلی برتری یافته است (Brown et al, 2000: 45). سواحل با توجه به نزدیکی به کانون های جمعیتی، اقلیم مناسب و دسترسی آسان، می‌توانند گردشگران را به خود جذب کنند. تقاضا برای گردشگری دریایی و ساحلی با رشد جمعیت جوان افزایش می‌یابد و لذا ضروری است که عرضه گردشگری در سواحل به این تقاضاها پاسخ گوید (Orams, 1999: 11). هرچند ممکن است، رقابت شدیدی بین شهرهای ساحلی برای جذب بیشتر گردشگر و ارائه خدمات بوجود آید. معمولاً نیمی از شهرهای ساحلی با کاربری های گردشگری، تفریحی و فضای سبز تعریف می‌شود. با ساخت تأسیسات رفاهی متعدد، مانند کازینو، هتل های متعدد، سینما، پلاژها، کمپینگ های موقت و ساحل سازی رودخانه می‌توان گفت: شهرهای ساحلی یکی از مهمترین نقاط گردشگری می‌باشند (میرافضل و آقا میری، ۱۳۸۳: ۹-۱۰). اما به لحاظ کارکردی و مدیریتی خدمات ارائه شده در سواحل، برخورد کارکنان، سطح آموزش کارکنان، نوع پوشش آنها، سطح قیمت ها، کیفیت خدمات، تنوع خدمات نشان دهنده کیفیت پایین کاربری های خدمات تفریحی و فراغتی در اکثر شهرهای ساحلی است. بی‌توجهی به ارتقای سطح کیفیت خدمات تفریحی در دراز مدت تأثیرات نامطلوبی بر پیکره شهر خواهد داشت (قدمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲). در واقع، نوع ارتباط فضا و سیاست در این زمینه، پتانسیل های شهر ساحلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، این شهرها، به دلیل دسترسی به خدمات، اشتغال... دارای فرصت های زیادی برای توسعه اقتصادی پویا می‌باشند. به طور کلی، اقتصاد دریایی؛ به مجموعه فعالیت های اقتصادی که در نوار ساحلی رخ می‌دهد و به طور مستقیم و غیر مستقیم به دریا و منابع آن وابسته است، اطلاق می‌شود (Kildow, 2008: 187). اما باید به این مطلب نیز توجه کرد که، توسعه برخی شهرهای ساحلی، در نتیجه استعدادهای طبیعی و یا جغرافیائی ساحل نمی‌باشد؛ زیرا برخلاف بندرهای دیگر جهان و یا نواحی ساحلی جهان، داری شرایط مساعد جغرافیایی نیستند. مثلاً:

- چندان رودهای شیرین و یاپرآب ندارد که شهری در کنار آن آب شیرین رودخانه و به‌طور طبیعی شکل بگیرد.  
- خاک‌های آن سواحل هم اغلب غیر حاصلخیز بوده و لذا امکان رویش گیاه انبوه ندارد و یا رویش علوفه انبوه و یا درختان انبوه وجود ندارد.

- اراضی ساحلی اش سنگلاخی و یاکم عمق بوده و از این رو، امکان پهلوگیری کشتی‌های بزرگ و قایق‌های بزرگ در سواحل نیست و لذا اسکله بندرها و یا ساخت‌وسازها، دورتر از ساحلها معمولاً ساخته می‌شوند که هزینه‌بردار می‌باشند.

- از نظر تراکم جمعیتی نیز کم جمعیت می‌باشند.

- پتانسیل‌های جغرافیایی و یا زراعی آن ناحیه کم است و یا امکانات صیادی آن سواحل هم چندان نیست.

- شهرها و روستاهایش از نظر تأمین آب آشامیدنی گوارا و یا شیرین در تنگنا هستند.

و به همین دلیل هم شکل‌گیری و یا تداوم طبیعی سکونت‌گاه‌های شهری در این سواحل طولانی با تنگنا روبرو می‌باشد و هم مکانیزم پایداری طولانی توسعه و یا دوام شهرهای بزرگ را ندارند و یا امکان جذب جمعیت زیاد را

ندارند، چراکه این سواحل طولانی، با استعداد طبیعی منطقه، همخوانی لازم را نداشته و لذا توسعه اش نیاز به اندیشه ویا سرمایه‌گذاری بیشتری پیدا می‌کند واز این رو، حیات شهری آن‌ها و توسعه اش، صرفاً با «اقتصاد برونزای تجاری» و مبتنی بر میدان «چاه‌های نفت» بوده و یا مبتنی بر صدور نفت، یا ورود کالاهای تجاری خارجی و در مجاری راههای این نوع شهرها انجام می‌گیرد. (<http://drmkhm.blogfa.com/post/544>).

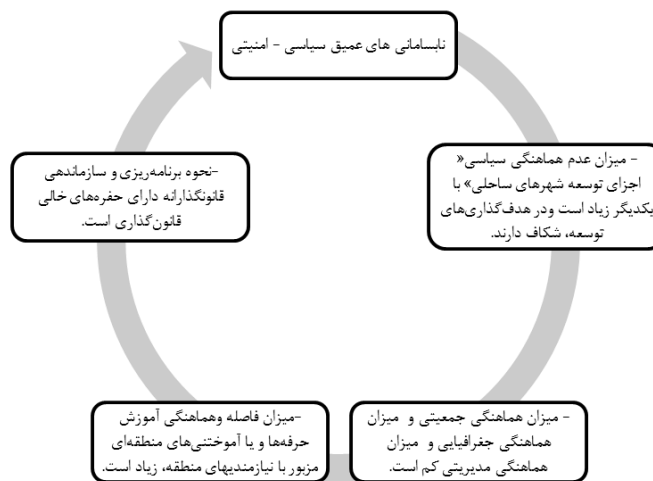
نتیجه اینکه، شهرهای ساحلی هم مانند شهرهای کوهستانی و بیابانی دارای پتانسیل‌های خاص خود هستند، ولی با یک برد و دامنه وسیع تر، بر اقتصاد و سیاستهای اقتصادی مسئولان تأثیر می‌گذارند. رقابتهای اقتصادی و کاربردی در شهرهای ساحلی دنیا باعث شده که جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک جدیدی در این شهرها پدیدار شود.

**ب- جغرافیای سیاسی شهرهای ساحلی در حوزه سیاست:** ساحل، به عنوان یک فضای جغرافیایی، بستری خاص برای سیاستهای دولتی و خصوصی می‌باشد و با توجه به شرایط ویژه ای که دارد بر برنامه ریزی ها و تصمیمات مسئولان شهری و حتی ملی تأثیر بسزایی دارد. جغرافیای سیاسی شهرهای ساحلی بی ارتباط با جغرافیای سیاسی دریاها و رودخانه ها نیست. در انجمن حقوق بین الملل<sup>۱</sup>، که در سال ۱۸۷۳ م. تأسیس شد، مباحثی چون دریای سرزمینی، آلودگی دریایی، بستر دریاها و منابع آن، آبراهه های بین المللی، بهره برداری از معادن دریاها، دزدی های دریایی و صلاحیت دولت های دارای بندر مطرح بود (پیشگامی فرد، ۱۳۸۴: ۳) که تمام این موضوعات در ارتباط مستقیم با شهر ساحلی، دولت محلی و دولت ملی قرار دارد. در واقع، شهر ساحلی بستر و فضایی برای فعالیت های سیاسی و راهبردی دولت می باشد. شهرهای ساحلی با توجه به ویژگیهای خاص جغرافیایی که دارند از حساسیت بالایی در امور سیاسی و امنیتی برخوردارند. این شهرها؛ با توجه به اینکه در جوار دریا یا رودخانه هستند، مشکلاتی مربوط به خط ساحلی و طول آبهایی سرزمینی و امور مربوط به مرز های آبی، امکان ایجاد منازعه و درگیری ها را در این شهرها فراهم می کند که اگر مدیریت نشود، در امنیت شهروندان خلل ایجاد می کند. همچنین، به علت اینکه این شهرها بعضاً شهرهای مرزی هم هستند، ناهنجاریهای مرزی در این شهرها مانند امور مربوط به قاچاقچیان و حملات تروریستی و دزدی های دریایی آنها را تهدید می کند یا اختلافات مربوط به ادعای کشور همسایه در استفاده بیش از حد از منابع دریایی می تواند سلامت این شهرها را به خطر اندازد. لذا، به علت دوری اکثر شهرهایی ساحلی از حکومت مرکزی، این شهرها مرکز تجارت قاچاق چیان می شود. و باید برجهایی در اطراف بندرها برای محدود کردن قاچاق و هجومهای احتمالی ایجاد شود و امنیت و پشتیبانی در سواحل برقرار گردد (بخیت، ۱۹۷۸: ۱۳۶). همچنین، این شهرها با داشتن صنایع مربوط به منابع فسیلی (گاز و نفت) در معرض حملات، استعمار و بهره کشی بیگانگان قرار داشته اند و دارند. در این راستا، وود<sup>۲</sup>، اولین کسی بود که به رابطه میان جرم (نامنی) و محیط فیزیکی اشاره کرد (بیرانوندزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵). جغرافیادانان سیاسی معتقدند: که امکانات و منابع محیطی با سیاست، امنیت و امور نظامی دارای ارتباط مستقیم و وابستگی مثبت است. به عنوان مثال، تیلور و هارل معتقدند: که ویژگی های فیزیکی محیط زیست می تواند باعث ناهنجاری یا پیشگیری از وقوع جرم شود (تیلور و هارل، ۱۳۸۹: ۲۰). همچنین، برخی سواحل، به دلیل موقعیت سوق الجیشی، شهرها را از اهمیت نظامی بالاتر برخوردار می کند که مسئولان مجبور ندکه شهرهای این سواحل را، با سیاست‌های فرهنگی خود کاملاً دایر نگه داشته و یا «نیمه پایدار» نگهدارند تا آسیب پذیری آنها زیادتیر نشود (<http://drmkhm.blogfa.com/post/544>).

۱ - International Law Association

۲ - wood

امروزه بیشترین درگیری و رقابت کشورهای قدرتمند در بستر فضایی ساحلی-دریایی بوده و می باشد، طوری که، در سالهای اخیر شاهد توجه روز افزون به طراحی محیطی به عنوان ابزاری علیه جنایت بوده ایم (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۱۱۹). همچنین، در شهرها ساحلی به دلیل ورود گردشگران ملی و خارجی تا حدودی امنیت داخلی شهروندان و آرامش آنها با مشکل روبرو می شود. به عبارتی، در حوزه گردشگری ساحلی می تواند به برهم خوردن نظم عمومی و به دنبال آن اختلال در امنیت اجتماعی جامعه محلی اشاره کرد (<https://rms.umz.ac.ir>). همچنین، این شهرها از حرکت بیش از حد کشتیهای تجاری و ناوهای نظامی رنج می برد. سروصدا، شلوغی و دزدیهای مکرر، منازعات و درگیری ها و حتی انفجار تانکرهای سوخت و غیره... که حل و فصل همه اینها، مدیریت شهری با برنامه و هدفمند می طلبد. برای اینکه مشکلاتی از این قبیل کاهش یابد باید اداره امور را بیشتر به دست مردم محل (حکومت محلی) سپرد. نیروی انتظامی و شهرداری دو ارگان محلی (حکومت محلی) در شهرهای ساحلی هستند که اداره و امنیت شهر را باید با برنامه ریزی های مستدل و هدفمند فراهم کنند. بنابراین، نقش مشارکت و همکاری مردم در ارتقاء امنیت شهر امری واضح است (بیرانوندزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵). امروزه، به دلایل مختلف، برخی شهرهای ساحلی در عین توسعه یافتگی فیزیکی، دچار نابسامانی های عمیقی در عرصه سیاسی - امنیتی هستند، که در شکل زیر به مهمترین این دلایل اشاره شده است:



شکل ۴: دلایلی که برخی شهرهای ساحلی در عین توسعه فیزیکی، دچار نابسامانی عمیقی در عرصه سیاسی - امنیتی هستند. در نتیجه، شهرهای ساحلی بیش از شهرهای بیابانی و کوهستانی به امنیت و آرامش نیاز دارد و مدیریت شهری باید در عرصه های گوناگون با راهبردهای بهینه صورت گیرد. هر قدر قدرت یک شهر بالاتر رود، مشکلات سیاسی - امنیتی هم بیشتر می شود و مدیریت و سیاستگذاری مستحکم می طلبد.

پ- **جغرافیای سیاسی شهرهای ساحلی در حوزه فرهنگ:** شرایط جغرافیای طبیعی، سیما و منظره ویژه به شهر داده است مثلاً، الگوی خیابان ها در شهر ساحلی وابسته به فرم زمین و ویژگی های طبیعی است. در این شهرها، به دلیل رابطه مستقیم آب با فضاهای شهری و اماکن عمومی دامنه وسیعی از موقعیت های لبه ای، نظیر پارک های ساحلی و تفرج گاهها ایجاد می شود. شرایط طبیعی و اقلیمی، روی آداب و رسوم شهروندان، شکل ظاهری، نوع لباس و پوشش آنها نیز اثر گذاشته است. همچنین کتابخانه های عمومی و موزه و تئاترها، مدارس و کلیساها و بیمارستانها و باشگاهها در ترسیم سیمای فرهنگی شهر نقش دارند. اراضی کشاورزی در کنار مؤسسات بازرگانی و حکومتی و مسجد و بازار و محله های تجاری که منظره ویژه به شهر ساحلی می دهد. وجود بازارهای تجاری که در آنها انواع کالاها عرضه می

شود سیمای فرهنگی در بستری جغرافیای دارد. ( دباغ، ۱۹۷۴: ۵۶) که چهره جذاب و دیدنی به شهر می دهد. همچنین حضور شهروندان متعدد در شهرهای ساحلی، باعث تبادل فرهنگی و بالا رفتن سطح آگاهی اجتماع محلی می شود (حیدری و محمدی، ۱۳۹۲: ۶۲). با توجه به این که حضور گردشگران با فرهنگ و عقاید مختلف در شهرهای ساحلی باعث ایجاد تعاملات اجتماعی و مبادلات فرهنگی با مردم ساکن در این نواحی می شود، در طی سال‌های اخیر تأثیر گردشگران بر فرهنگ، آداب و رسوم، سنن، گویش و شیوه زندگی و معیشت و به‌طور خلاصه، مظاهر فرهنگی و معنوی مردم این مناطق بسیار قابل توجه بوده است. در نتیجه هر گونه تغییر در این ساختها می تواند باعث تغییر در شیوه های رفتاری و فکری و در نتیجه آن دگرگونی هایی در شیوه زندگی افراد شود. اگر این تغییرات باعث پیشرفت، رفاه و آسایش بیشتر باشد می توان از آن به عنوان تغییری مناسب در کنار حفظ شالوده اصلی فرهنگ مادر یا اولیه یاد کرد، اما اگر این دگرگونیها موجب تغییرات نامتوازن و برهم زنده نظم اجتماعی حاکم باشد می تواند عامل ایجاد بی هنجاری اجتماعی و اختلال در ساختار جامعه و کارکرد نهادها و اجزاء مختلف جامعه شود (دیوسالار، ۱۳۹۲: ۷۹-۸۳). بنابراین، از جمله مناطقی از جهان اجتماعی که همواره این نگرانی را در ذهن محققان رشته های مختلف وارد آورده که: چه بر سر فرهنگ اصیل و اولیه جامعه میاید نواحی ساحلی بوده است. این نواحی که حدود ۲۹٪ کره زمین را در بر می گیرند، همواره پذیرای گروههای مختلفی از مردم نقاط مختلف جهان اند که هر کدام از این افراد جهانگرد یا گردشگر، دارای فرهنگ خاص خود می باشند که در ارتباط با فرهنگ جامعه میزبان می تواند تأثیراتی بر آن بگذارد (Philips, 2003: 1). بر اثر تغییر رویه های سیاسی - تکنولوژیکی است که شهروندان، باید خودشان مدیریت منابع طبیعی خودشان را بدست بگیرند و یا با شغل بومی خود مسئولیت اداره محل و یا شهرهای ساحلی را بدست بگیرند و لذا «توسعه بیرون زای تجاری» ساحل از کنترل نیروهای خارجی بیرون آید و بصورت یک «توسعه منطقه ای درون زا» در اختیار تعقل درونی و اندیشه عقلانی - فرهنگی نیروهای بومی و یا متخصص قرار بگیرد که چگونه با تدابیر عقلانی و بهینه خود حیات شهری و یا حیات اقتصادی شهر را برقرار کرده و یا در بندرگاه ها و گذرگاه ها و تنگه ها و سواحل و در داخل رأس ها و یا دماغه ها با ساخت «سازه های دریایی مناسب» و یا با ایجاد «نظام شهرنشینی مناسب بندری» و «تکنولوژی دریایی جدید» فرهنگ پایدار برقرار بکنند. «توسعه منطقه ای درون زای بومی» به آموزش های عقلانی بومی نیز نیاز دارد که بتوانند به شناخت های دقیق و علمی جغرافیای شهر ساحلی بپردازد و یا «ژئواستراتژی» آن ناحیه را درک علمی لازم کرده و یا «ژئو اقتصادی حیات شهری» آن را با درک فرهنگی و توأم با سرمایه گذاری، بهینه سازی کند. در غیر این صورت، یک نوع توسعه یکجانبه و توأم با نابسامانی های عمیق و ناهماهنگی بین اجزا و عناصر فرهنگی ایجاد می کند.

**ت-جغرافیای سیاسی شهرهای ساحلی در حوزه زیست محیطی:** از دیدگاه جغرافیای سیاسی، تصمیم گیری ها و برنامه های نادرست و شاید استفاده بیش از اندازه ظرفیت محیط جغرافیایی در شهرهای ساحلی، برای افزایش قدرت و ثروت و تبدیل شهر به بستر رقابت پذیری، شهر ساحلی را در حوزه زیست محیطی آسیب پذیر کرده است. مناطق حساس ساحلی - دریایی، نواحی هستند که واجد منابع حساس ساحلی-دریایی و یا وابسته به دریا بوده و این حساسیت بواسطه تنوع زیستی، غنای جانداران، وجود گونه های در معرض خطر، آسیب پذیر و کمیاب، واقع شدن اجتماعات حیاتی در آستانه تحمل اکولوژیک، حساسیت به آلاینده ها، کندی ترمیم محیط زیست، آسیب های وارد شده و مشکلات ناشی از پاکسازی از محیط آلاینده های محیطی ایجاد می گردد (داور، ۱۳۸۶: ۱۸۰). بهره برداری نامناسب و بیش از ظرفیت منابع طبیعی، تخریب و تغییر اکوسیستم های طبیعی، تغییر کاربری حاصلخیزترین اراضی جلگه ای و جنگلی، بهره برداری بی رویه از منابع، آلودگی بی رویه منابع آب، آلودگی زیست محیطی ناشی از دفع نامناسب فاضلاب و انتقال زه آب کشاورزی، فقدان تعامل مناسب میان زیر بخش های مختلف حمل و نقل و ..... از

عمده ترین چالشهایی است که علی رغم وجود قابلیت های ممتاز جغرافیایی، طبیعی و اکولوژیکی در این شهرها به چشم می خورد (محملائی، ۱۳۸۹: ۶۸). در میان انواع آلوده کننده ها نفت و هیدروکربن های نفتی نه تنها محیط زیست آبی، بلکه محیط زیست انسان را درچار لطمات جدی می نماید (عباس پور، ۱۳۸۲: ۸۹). یکی از متداول ترین و مناسب ترین روشهای علمی برای جلوگیری از خطرهای محیط زیستی در شهرهای ساحلی با عنایت به رشد و توسعه اقتصادی- اجتماعی بوده و سعی در تهیه راهکارهای علمی برای اجرای پروژه هایی، با توجه به حساسیت های محیط زیستی و جلوگیری از اجرای پروژه های آسیب رسان دارد (سیف زاده و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱). لذا، عدم برنامه ریزی نه تنها سود دهی ندارد، بلکه آسیب های ناشی از آن هزینه بر بوده و محیط را تخریب می کند. به دلیل رابطه و وابستگی میان اقتصاد دریایی و محیط زیست در شهر ساحلی، برنامه ریزی برای یکی از آنها و بی توجهی به دیگری امری غیرممکن است. از این رو، در هنگام توسعه اقتصادی باید راهبردهایی نیز جهت حفاظت از محیط زیست شهر ارائه شود، که مهمترین آن ها عبارت است از:

- ۱- در ابتدا باید منابع آلوده کننده و ظرفیت بارگیری محیط شناسایی شود.
  - ۲- فرایند های تولید کشاورزی، صنعتی و مصارف آب اصلاح شود.
  - ۳- نوع و میزان آلودگی ها مشخص شود و در جهت کاهش آن اقداماتی صورت پذیرد.
  - ۴- سیستم هایی جمع آوری و تصفیه فاضلاب های شهری، صنعتی و کشاورزی نیز باید طبق ضوابط و استانداردها مشخص گردد.
- بدین ترتیب، فشارهای انسانی منجر به آشفتنگی های اکولوژیکی، از شکل افتادن نوار ساحلی و کاهش جذابیت های منابع نمی گردد (Matheson and wall, 1982: 113).

پذیرش توریسم به صورت بی برنامه و بالاتر از ظرفیت شهر ساحلی، در سالهای اخیر صدمات جبران ناپذیری را به محیط زیست شهر تحمیل کرده است. نتیجه اینکه، یک شهر ساحلی پایدار، هنگام توسعه اقتصادی، نیازمند توجه بیشتر به حفظ محیط زیست و هویت طبیعی خود است. بنابراین، روابط محیط جغرافیایی و تصمیم گیری های دولتی و خصوصی مسئولان باید متقابل و هدفمند باشد مدیریت و حفاظت از محیط زیست ساحلی از چالش های پیچیده محسوب می گردد (Ramos et al, 2015: 312). آلودگی های حاصل از نشت نفت از تهدیدهای عمده اکوسیستم های ساحلی است (Vethamony, 2007). به علت احداث و توسعه روز افزون صنایع امکان بروز حوادث ناشی از نشت نفت دور از انتظار نیست (سپهر و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴).

#### راهکارهای پیشنهادی در زمینه ایجاد و افزایش قدرت شهرها

- الف: افزایش قدرت جذب گروههای مختلف انسانی با فرهنگ های مختلف
- ب: فراهم نمودن بستری مناسب جهت ظهور ایده های ساکنین و تبادل این ایده ها و در نهایت استفاده از آن ها جهت حل مشکلات و مسائل و نیز توسعه اقتصادی، اجتماعی و شهری با توجه به شرایط محیطی و اقلیمی
- پ: دسترسی شهر به استعدادها و منابع انسانی و فکری (طبقه خلاق)
- ت: دسترسی این شهرها به فناوری های سطح بالا و داشتن اقتصادی پیشرفته
- ث: قدرت و توان ویژه این شهرها در مواجهه با بحران هایی چون فقر، بی خانمانی، بافت های فرسوده و...
- ج: وجود حکمروایی خوب در این شهرها: بطوریکه می توان سه عنصر، دولت محلی، NGOها و بخش خصوصی را در کنار هم و در تعامل با هم دید.
- چ: جایگاه ویژه فرهنگ در ابعاد مختلف شهر و نیز سیاستها و برنامه های شهری و استفاده موثر از تمام منابع فرهنگی
- ح: توجه به حفظ تعادل میان محیط، منابع محیطی و بهره برداری و استفاده از توان های فیزیکی و جغرافیایی.



## نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق، در بر دارنده مطالبی است که تاکنون پیرامون آن کارن شده و هیچ منبع و اطلاعاتی در راستای رابطه گونه شناسی شهر و جغرافیای سیاسی آن وجود ندارد. در پاسخ به سوال مطرح شده در مقاله، که «آیا شرایط محیطی و جغرافیای طبیعی شهرها، در مطالعه ساختار فضایی، جریان سیاسی و نظام اقتصادی تأثیرگذار است؟» باید گفت: روابط متقابل سیاست و فضا در شهر از موضوعات مهم مورد بررسی جغرافیدانان سیاسی عصر حاضر است. برای بررسی این روابط، درک شرایط جغرافیای طبیعی بسیار مؤثر و مفید است. مطالعات جغرافیدانان سیاسی نشان می‌دهد حیات شهرها همواره در ارتباط تنگاتنگ با محیط طبیعی شکل گرفته است. محیط طبیعی همراه با عوامل دیگر همچنان که موجبات تشکیل تمدن‌ها و شهرها بزرگ را فراهم آورده در مواردی نیز انهدام آنها را سبب شده است. لذا، مطالعه و بررسی شرایط اقلیمی یا آب و هوا، یک پارامتر اساسی در گونه شناسی شهر می‌باشد. از نظر جغرافیدانان سیاسی، شرایط طبیعی، در ایجاد شهر و قلمرو شهرنشینی خود نقش بسزایی دارند. بنابراین، از جمله عوامل طبیعی مهم که در گونه شناسی شهرها دخیل است و نقش بسیار مؤثری دارد، اقلیم یا آب و هوا است که نوع مکان شهری و محیط و بستر فضایی شهر را توصیف می‌کند. در واقع، خصوصیات و شرایط فضاهای جغرافیایی بخصوص شهرها، از لحاظ محدودیت یا عدم محدودیت در امکانات و پتانسیل‌هایی طبیعی و غیر طبیعی مدیون همین عوامل جغرافیای طبیعی است. چون شهر بر پایه از ابتدا بر پایه موقعیت ریاضی و نسبی بوجود می‌آید و کلاً عوامل طبیعی بویژه اقلیم تأثیر زیادی بر گونه شناسی و ویژگی‌های طبیعی و انسانی شهرها دارد. در طبقه بندی فضایی شهر با توجه به عوامل محیطی به ویژه آب و هوا می‌توان شهرهای ساحلی، شهرهای کوهستانی و شهرهای بیابانی را به ترتیب، از نظر اهمیت و درجه بیشتر کارایی و بهره برداری فضایی در تشریح روابط سیاسی- فضایی و توزیع قدرت در شهر نام برد. بنابراین، در مناطق کمتر توسعه یافته در کنار عوامل انسانی، عوامل بازدارنده جغرافیایی و طبیعی مانند (محدودیت منابع آبی، شرایط اقلیمی نامناسب، کوهستان‌ها و بیابان‌ها و ..) تأثیر فراوان دارند. امید است که جغرافیدانان سیاسی شهر، در آینده، گونه شناسی شهرها را با در نظر گرفتن سایر عوامل توسعه و گسترش دهند.

## منابع

- ۱- امیری، محمدجواد، سلمان ماهینی، عبدالرسول جلالی، حسینی سید محسن (۱۳۸۸). مقایسه روش سیستمی ادغام نقشه ها و ترکیب منطق بولین-فازی، مجله علوم محیطی، شماره ۲،
- ۲- آسایش، حسین (۱۳۸۲). اصول و روش های برنامه ریزی ناحیه ای، انتشارات پیام نور
- ۳- امین سبحانی، ابراهیم (۱۳۶۵). ژئومورفولوژی و نقش آن در امور دفاعی، تهران: مقالات سمینار جغرافیای کاربردی و جنگ.
- ۴- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۸). درجه توسعه یافتگی استان ها و همسازی ملی در ایران، تهران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱،
- ۵- اطاعت، جواد (۱۳۷۶). ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران، تهران: نشر سفیر.
- ۶- اخگری، مهدی (۱۳۶۸). سیمای شهرستان فردوس، فرمانداری فردوس.
- ۷- اسماعیل نژاد، مرتضی، طاووسی، تقی، اسکندی، محمد (۱۳۹۳). بحران آب و ضرورت تغییر الگوی کشت در مناطق خشک، فصلنامه کاوش های جغرافیایی مناطق بیابانی، شماره ۳،
- ۸- احمدی، کبری (۱۳۹۷). جزوه آموزشی درس چهارم \_ پایه دهم، سرگروه جغرافیای استان زنجان - دبیر دبیرستان فرزندگان
- ۹- بیرواندزاده، مریم، شاهینی فر، مصطفی، فتوحی، سعید، خداد، مهدی (۱۳۹۵). نقش مشارکت مردمی در تحقق امنیت شهرهای ساحلی، فصلنامه دانش انتظامی لرستان، سال ۴، شماره ۴
- ۱۰- بختی، محمد عدنان (۱۹۷۸). حيفا فی العهد العثماني الاول، دمشق.
- ۱۱- بلادپس، علی، بی باک، غلامحسین، ذکی، قربانعلی (۱۳۸۵). تحلیل کنش های فضای طبیعی ایران در جغرافیای سیاسی آن، فصلنامه چشم انداز جغرافیایی، شماره ۲.
- ۱۲- پروازی، (۱۳۸۹). راهکارهای بهینه زیست محیطی در گردشگری ساحلی خلیج فارس، مجموعه مقالات ششمین همایش ملی خلیج فارس
- ۱۳- تیلور، پیتر، هارل (۱۳۸۹). محیط کالبدی و بزهکاری، ترجمه محسن کلاتری، نشر آذر
- ۱۴- پیشگاهی فرد، (۱۳۸۶). جغرافیای سیاسی دریاها. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- جانستون، ارجی، تیلور، پیتر و واتس، مایکل (۱۳۸۳). جغرافیاهای تحول جهانی، مترجم، نسرين نوریان، تهران: دوره عالی جنگ.
- ۱۶- حسینی، نرجس سادات (۱۳۹۰). بررسی مفهوم حاکمیت ملی در عصر جهانی شدن. با راهنمایی دکتر مرجان بدیعی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، کتابخانه دانشکده ی جغرافیا، دانشگاه تهران.
- ۱۷- حسینی، نرجس سادات (۱۳۹۷). تبیین پدیده شهر در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، رساله دکترا، دانشگاه تهران.
- ۱۸- حسینی، سیدعلی، پورزال، مریم، ویسی، رضا (۱۳۹۲). نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار گردشگری شهرهایی ساحلی در سالهای ۱۳۸۸-۱۳۸۶، دوفصلنامه پژوهشی بوم شناسی شهری، سال چهارم، شماره ۲.
- ۱۹- حسین نیا، نسترن و متین عاشوری چهارده، (۱۳۹۰). ارزیابی شاخصهای پایداری در اقتصادشهر ساحلی با تأکید بر مدل تعادل اقتصاد دریایی و محیط زیست، اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد
- ۲۰- حیدری، زهرا، محمدی، زینب (۱۳۹۲). تحلیل رابطه توسعه اکوتوریسم ساحلی و اثرات و پیامدهای زیست محیطی آن، فصلنامه علمی محیط زیست، شماره ۵۷
- ۲۱- حماده، سعید (۱۹۳۹). النظام الاقتصادي فی فلسطين، بیروت.

- ۲۲- حموی، یاقوت (۱۹۵۷): *معجم البلدان*، بیروت .
- ۲۳- خانی، محمد، قنبری نسب (۱۳۸۸). بررسی اثرات گردشگری ساحلی با تکیه بر نظرسنجی از خانوارهای روستایی (شهرستان لنگرود)، فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره ۴
- ۲۴- دیوسالار، اسداله (۱۳۹۲). بررسی نقش ژئوتوریسم در توسعه پایدار فرهنگی شهرهای ساحلی مورد مطالعه: شهرستانهای نوشهر و چالوس، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال سوم، شماره ۴
- ۲۵- دانش خوشبو، یوسف (۱۳۲۹). اداره امور سازمانهای محلی. تهران: دانش
- ۲۶- داور، ل. (۱۳۸۶). مقایسه کارایی دو روش نوا و ایمو برای شناسایی مناطق حساس محیط زیستی در سواحل استان سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
- ۲۷- درایسیدل، آلاسدر، بلیک، جرالد (۱۳۶۹). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی .
- ۲۸- دباغ، مصطفی مراد (۱۹۷۴). *بلادنا فلسطین*، ج ۷ ق ۲، بیروت .
- ۲۹- رمضانزاده لسبویی (۱۳۸۹). موانع و چالش های توسعه گردشگری و آینده شهرهای ساحلی، همایش ملی امنیت در شهرهای ساحلی
- ۳۰- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۶۹). توان های محیطی ایران، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۳۱- رضوانی، علی اصغر (۱۳۷۴). جغرافیا و صنعت توریسم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۳۲- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: سمت.
- ۳۳- زیبا کلام، صادق (۱۳۷۳). ما چگونه ما شدیم، تهران: انتشارات روزنه.
- ۳۴- سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۵). تحلیلی بر توزیع جغرافیایی جمعیت ایران، نشریه علمی - پژوهشی دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۳
- ۳۵- سپهر، مرتضی، جمالزاده، فریرز، فهیمی، غلامرضا، شعبانی، رکسانا (۱۳۹۶). کاربرد شاخص حساسیت زیست محیطی (ESI) در ساحل جنوبی در جزر در ناحیه شرقی استان گیلان، مجله علمی - پژوهشی زیست شناسی دریایی، سال ۹، شماره ۳۶
- ۳۶- سجادی، ژیل، رحمانی فضلی، عبدالرضا، یوسفی، حبیبه (۱۳۸۵). کشاورزی معیشتی و تحول ساختار اقتصادی روستاهای کوهستانی دهستان چالدران جنوبی-شهرستان چالدران حوضه آبریز ارس، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی شماره ۳۲
- ۳۷- سقایی، مهدی (۱۳۸۱). شهرهای ساحلی و گردشگری دریایی. مجله شهرداریها، شماره ۱۳۸
- ۳۸- سیف زاده، علیرضا و محسن رحیمی (۱۳۹۲). ارزیابی تأثیر گردشگری بر محیط زیست شهرهای ساحلی (نمونه موردی: شهرسازی) اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران، انجمن محیط زیست کومش، دانشگاه صنعت هوایی،
- ۳۹- سید اخلاقی، سید جعفر؛ حمیدرضا عباسی؛ عمار رفیعی و محمد درویش (۱۳۹۱). توان پذیرش جمعیتی سرزمین، معیاری مهم در ارزیابی روند بیابان زایی، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مرتع و بیابان ایران، شماره ۳.
- ۴۰- شکویی، حسین (۱۳۷۸). شناخت و فلسفه جغرافیا، تهران: پیام نور
- ۴۱- شیعه، علی (۱۳۸۹). تحلیل عوامل کیفیت بخش محیط گردشگری ساحلی با توجه به معیارهای گردشگری فعال، مطالعه موردی شهر رامسر، آرمانشهر، شماره ۵
- ۴۲- علیجانی، بهلول (۱۳۷۵). آب و هوای ایران، تهران: انتشارات پیام نور.

- ۴۳- عزتی، عزت ا. (۱۳۷۲). ژئوپلیتیک تهران، تهران: سمت.
- ۴۴- عزتی، عزت ا. (۱۳۸۰). ژئوپلیتیک در قرن ۲۱، تهران: سمت.
- ۴۵- علی پور، عباس، هاشمی، سید مصطفی، خلیفه، ابراهیم، مرادی، ابوالفضل (۱۳۹۶). نقش گردشگری در توسعه پایدار اجتماعی مناطق کویری و بیابانی، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، شماره ۲۸
- ۴۶- عباس پور، م (۱۳۸۲). مهندسی محیط زیست، جلد اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
- ۴۷- عزیزپور، ملکه (۱۳۷۵). توسعه فیزیکی شهرها، جزوه درسی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- ۴۸- کامران، حسن، بدیعی، مرجان، ذکی، یاشار، احمدی، عباس، حسینی، نرجس (۱۳۹۷). مطالعه شهر در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک با تأکید بر نظر گاتمن و کاکس، فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیایی ایران، شماره ۵۶
- ۴۹- کریمی، طاها (۱۳۸۸). اثرات جغرافیایی و زیست محیطی گردشگری ساحلی و توسعه پایدار آن، ماهنامه مدیریت جهانگردی، شماره ۵
- ۵۰- قربانی، رسول، حسین آبادی، سعید، طورانی، علی (۱۳۹۲). شهرهای خلاق، رویکردی فرهنگی در توسعه شهری، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، شماره ۱۱.
- ۵۱- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰). اصول سیاست خارجی و روابط بین الملل، تهران: سمت.
- ۵۲- قدیری معصوم، مجتبی، فیروز جایی، ناصر (۱۳۸۲). جایگاه روستا و کشاورزی در برنامه های عمرانی قبل از پیروزی انقلاب، پژوهشهای جغرافیایی شماره ۴۶
- ۵۳- قدیری معصوم، مجتبی، رفیعی یوسف، نصیری، حسین (۱۳۹۱). پیاده سازی مدل آمایشی کشاورزی، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۲۵
- ۵۴- قدمی، مصطفی، محمدی خدیجه، عظیمی آزاد، ملائی، امین (۱۳۹۲). بررسی کیفیت کالبدی و کارکردی کاربری های تفریحی- فراغتی در شهرهای گردشگری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره اول، سال، ۲۸، شماره مقاله ۸۸۶
- ۵۵- فاطمی، محمدرضا، جمالزاده، حمیدرضا، فهیمی، غلامرضا، سپهر، مرتضی (۱۳۹۱). تعیین حساسیت زیست محیطی نوار ساحلی شهر تنکابن، مجله علمی پژوهشی زیست شناسی دریا، سال ۴، شماره ۱۳
- ۵۶- صابری فر، رستم و امنه خزایی (۱۳۹۴). تأثیرات اجتماعی و اقتصادی بیابان زایی بر شهرها، کاوش های جغرافیایی مناطق بیابانی، شماره ۱
- ۵۷- فتاحی، احمد، قرایی منش، سمانه، قرایی منش، علی (۱۳۹۴). سنجش درجه توسعه یافتگی اقتصادی- اجتماعی در مناطق بیابانی مطالعه موردی: منطقه آب جاغجاغ، فصلنامه علمی- پژوهشی خشک بوم، شماره ۲
- ۵۸- فرید، یدالله (۱۳۷۳). جغرافیا و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۵۹- ویسی، هادی (۱۳۹۲). درآمدی بر دولت محلی. تهران: سمت.
- ۶۰- وزارت نیرو، (۱۳۸۹). راهنمای پهنه بندی توان اکلوژیک سرزمین برای استقرار طرح های توسعه منابع آب، نشریه شماره ۳۵۱
- ۶۱- میرحیدر، دره، (۱۳۸۶). مفاهیم بنیادی در جغرافیای سیاسی. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۶۲- مرتضوی، مرجان، جهانشاهلو، لعل، ماجدی، حمید (۱۳۹۶). تأثیر شکل کالبدی بلوک های شهری بر خرداقلیم فضاهای باز شهری در اقلیم گرم و خشک مطالعه موردی: شهر یزد، فصلنامه مطالعات شهری ایرانی اسلامی، شماره ۲۹

- ۶۳- مویر، ریچارد، ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در جغرافیای سیاسی، ترجمهٔ دره میرحیدر، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران.
- ۶۴- میرافضل، سیدبهر، آقامیری، سیدرضا (۱۳۸۳). از شهسدر تا بلسر، شورای اسلامی شهر بابلسر
- ۶۵- مدنی پور (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری با نگرشی بر فضای اجتماعی و مکانی، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری
- ۶۶- میرحیدر، دره (۱۳۷۳). مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، سمت.
- ۶۷- میرحیدر، دره (۱۳۷۹). جغرافیای سیاسی و اقتصادی، تهران: آموزش و پرورش
- ۶۸- محلاتی، یگانه (۱۳۸۹). بررسی و ارائهٔ راهبردهای توسعه پایدار در شهرهای ساحلی و آثار توریسم بر محیط زیست شهری و توسعهٔ پایدار. پایان نامه، دانشگاه گیلان.
- 69-Beatley, T., Brower, D. J. and Schwab, A. K., (2002). An Introduction to coastal zone management. second edition, Island press. USA. 329 P
- 70- Brown, Etal. (2000), making construction and development unpeg.
- 71- Carmen, R. (1996). Autonomous Development in the Third world, London: Roulledge
- 72- Crutchfield R., M. Geerken and W. Gove, (1982), Crime rate and social integration. Criminology 20, Med. 29, 357.
- 73- Kildow, J., (2008). Floridas ocean and coastal economies report, Principal investigator Monterey bay aquarium research institute
- 74- Orams, mark, (1999). Marine Tourism, Routledge,
- 75- Muir, R. (1975). Modern Political Geography. London: The Macmillan press Ltd.
- 76- Matheson, A., G. Wall, (1982), Tourism: Economic, Physical and Social Impacts London: Longman.
- 77- Noronha, L., (2002), Coastal Tourism, Environment, and Sustainable Local Development, London, TERI
- 78- Honey, M., D. Krantz, (2007), Global Trends in Coastal Tourism, Center on Ecotourism and Sustainable Development A Nonprofit Research Organization Stanford University andashington, DC.
- 79- Harley, C.D., Randall Hughes, A., Hultgren, K.M., Miner, B.G., Sorte, C.J., Thornber, C.S., Rodriguez, L. F., Tomanek, L. and Williams, S. L., (2006). The impacts of climate change in coastal marine systems. Ecology letters, 9(2): 228-241.
- 80- Phillips, A. (2003). Turning Ideas on Their Head: The New Paradigm for Protected Areas.
- 81- Ramos, E., Puente, A. and Juanes, J. A., (2015). An ecological classification of rocky shores at a regional scale: a predictive tool for management of conservation values. Marine Ecology, 37(2), 311-328.
- 82- Thomas R., Pigozzi B. & Sambrook R., (2005). Tourist Carrying Capacity Measures: Crowding Syndrome in the Caribbean, The Professional Geographer, Vol. 57, No. 1
- 83- Seddighi H.R , Nattall.M , and Wand Theocharous, A.L., (2001). Does Cultural Background of Tourism Influence the Destination Choice? An Empirical Study Whit Special Reference to Political Instability, Tourism Management, NO.22, PP181

84-Vethamony, P., Sudheesh, K., Babu, M. T., Jayakumar, S., Manimurali, R., Saran, A. K., Sharma, L. H., Rajan, B. and Srivastava, M., (2007). Trajectory of an oilspill off Goa, eastern Arabian Sea. Field observation and simulation, Environmental Pollution, 148(2): 438-444

85- <http://drmkhm.blogfa.com/post/544>.

86- <http://marinetimes.ir>

87- <http://drmkhm.blogfa.com/post/544>

88- <https://rms.umz.ac.ir>

89-[https://www.civilica.com/Paper-URBANECONOMICS01-URBANECONOMICS01\\_056.html](https://www.civilica.com/Paper-URBANECONOMICS01-URBANECONOMICS01_056.html)